

۹۴ - تقسیم ارث^۱ و سهام

و نیز در کتاب اقدس است قوله جلّ و عزّ: "قد قَسَمْنَا المَوَارِثَ على عدد الرّاء منها قُدِّرَ لذرّياتكم من كتاب الطّاء على عدد المقت و للازواج من كتاب الحاء على عدد التّاء و الفاء و للآباء من كتاب الرّاء على عدد التّاء و الكاف و للأمهات من كتاب الواو على عدد الرّفيغ و للاخوان من كتاب الهاء عدد الشّين و للاخوات من كتاب الدّال عدد الرّاء و الميم و للمعلّمين من كتاب الجيم عدد القاف و الفاء كذلك حكم مبشّرى الّذى يذكرنى فى اللّيالى و الاسحار انا لما سمعنا ضجيج الدّرّيات فى الاصلاب زدنا ضعف ما لهم و نقصنا عن الاخرى انه لهو المقتدر على ما يشاء يفعل بسلطانه كيف اراد"

و در رساله سؤال و جواب است: "و اینکه در باره ارث سؤال فرموده بودید از قوله تعالى: انا لما سمعنا ضجيج الدّرّيات فى الاصلاب زدنا ضعف ما لهم و نقصنا عن الاخرى ج مواريث در كتاب الهى ۲۵۲۰ سهم شده که جامع کسور تسعه باشد و این عدد هفت قسمت میشود هر قسمتی به صنفی از وراثت میرسد چنانچه در کتاب مذکور است از جمله کتاب طاء نه شصت که عد مقت میباشد مخصوص ذریّه مقرر شده و معنی قوله تعالى: زدنا ضعف ما لهم یک مثل آن بر آن افزودند که عدد دو طاء میشود و از سایرین کم میشود مثلاً نازل شده و للازواج من كتاب الحاء على عدد التّاء و الفاء یعنی هشت شصت که عدد تاء و فاء میشود از برای ازواج بود حال شصت و نصف شصت که عدد نود میشود از ازواج کم شده بر ذریّه افزوده میشود و همچنین از سائر طبقات هر یک یک شصت و نیم کم میشود که نه شصت میشود و بر نه شصت اول افزوده میشود"^۲

^۱ قوانین و عادات همگانی قدیمه تقلیل حق ارث زنان نسبت بمردان بود بلکه در بسیاری از اقسام دنیا زنان اساساً حق ارث نداشتند در دین یهود دختر با بودن پسر مطلقاً از ارث محروم است در چین دختران را از ما یملک پدر یا مادر بیش از همان جهیزیه که میبرند نصیبی نیست در ژاپن فقط در بعضی از اقسام ترکه و بشرط نبودن پسران حقی بدختران تعلق میگیرد در امر مسیح چون تعلیمی راجع بارث نبود ممالک متنوعه مسیحی بهمان مقررات کشوری خود که بنصیبی و یا کم نصیبی زنان بود رفتار میکردند فقط در قانون روم تساوی فیما بین دختر و پسر از سابق بود ولی در اعصار ترقی بشر متدرجاً مساوی گردید چنانچه در قانون مدنی فرانسه و بیشتر ممالک غربیه میراث دختر و پسر مساوی گشت ولی در اسلام سهم ارث دختر نصف پسر و سهم زن نصف شوهر و حق خواهر نصف برادر معین گردید.

^۲ و آنچه حضرت اعلى در خصوص ارث فرموده اند بدین نوع است که باید آنچه از متوفی مانده دو هزار و پانصد و بیست عدد فرض شود چه این عددی است که بنیانش از نه بوده است و در آخر نیز از آحادش همان نه عدد که عدد اسم مبارک بها باشد ظاهر است و دارای کسور تسعه است یعنی هم عشر صحیح دارد و هم تسع و هم ثمن و هم سبع و هم سدس و خمس و ربع و ثلث و نصف و قسمت اولاد نه شصت و قسمت ازواج هشت شصت و قسمت آباء هفت شصت و قسمت امهات شش شصت و قسمت اخوان پنج شصت و قسمت اخوات چهار شصت و قسمت معلّمین سه شصت مقصود از کتاب طاء و حاء و زاء و واو و هاء و دال و جیم این بوده و چون جمال قدم محض فضل و کرم قسمت اولاد که نه شصت بود هیجده شصت مقدر فرموده اند از آن شش طائفه دیگر هر یک یک شصت و نیم کسر فرموده که نه شصت میشود مثلاً قسمت ازواج که هشت شصت بوده شش شصت و نیم که سیصد و نود باشد و از آباء پنج شصت و نیم و اخوان سه شصت و نیم و از اخوات دو شصت و نیم و از معلّمین یک شصت و نیم که جمیع آنها همان عدد دو هزار و پانصد و بیست میشود (تبیل زرندي)

و از حضرت عبدالجہاء است قولہ العزیز: "أما سؤال از ابناء غیر مشروع نموده بودی بر آنان حرجی نہ مجرم
فاعل و محروم از فضل و اہب"